



The Method of Allocating Profits from Non-Performing Loans in Interest-Free Banking

Meysam Khosravi^a 

a. Faculty of Economics, University of Tehran, Tehran, Iran.

* Corresponding author.

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Article History: Received: 17 Aug. 2025 Revised: 12 Oct. 2025 Accepted: 29 Oct. 2025 Published: 06 Jan. 2026 Keywords: Interest Free Banking, Islamic Banking, Impaired Asset Provisions. JEL Classification: G21, Z12.	The allocation method of banking operations profit constitutes one of the most significant differences between interest-free banking and conventional banking. The framework for this allocation is defined in the <i>Law on Interest-Free Banking Operations</i>, the executive bylaw of Chapter II of the Law, and ultimately, in the <i>Instruction on the Allocation of Joint Revenues of banks</i> approved by the Money and Credit Council. This article, after explaining the model envisaged by the legislator and its developments in the aforementioned regulations, first seeks to demonstrate that, according to the Law on Interest-Free Banking Operations and the standards of Islamic banking (AAOIFI), profits arising from non-performing loans (including provisions and revenues from penalty charges) must be classified as joint profits, while the Central Bank's instruction classifies provisions as non-joint. In the next step, based on financial statement data published by banks, the financial scale, including provisions for doubtful receivables as joint revenues are identified, and the adjusted final profit is compared with the commonly reported final profit in Iran's banking network. Another finding extracted from the review of financial statements is that, in all years under study since 1397, the administrative profit rate determined by the Central Bank has been the only factor in the profit paid to depositors, rather than the realized joint revenues or costs of banks.

Cite to this paper: Khosravi, M. (2026). The Method of Allocating Profits from Non-Performing Loans in Interest-Free Banking. *Journal of Economic Research*, 60(4), 1366-1389.



©The Authors retain the copyright and full publishing rights.

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jte.2025.400819.1009029>

نحوه تقسیم سود مطالبات غیر جاری در بانکداری بدون ربا

میثم خسروی*  

۱. گروه اقتصاد اسلامی، اجتماعی و نهادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶ کلیدواژه‌ها: بانکداری اسلامی، سود مشاع، وجه التزام، هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول. طبقه‌بندی JEL: G21, Z12.	نحوه تقسیم سود عملیات بانکی، یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های بانکداری بدون ربا با بانکداری متعارف است. الگوی این تقسیم سود در قانون عملیات بانکی بدون ربا، آیین‌نامه اجرایی فصل دوم قانون و در نهایت در دستورالعمل تقسیم درآمدهای مشاع مؤسسات اعتباری مصوب شورای پول و اعتبار مشخص شده است. این مقاله ضمن تبیین الگوی مدنظر قانون‌گذار و تطورات این الگو در مقررات مذکور، سعی می‌کند ابتدا نشان دهد مطابق با قانون عملیات بانکی و استاندارد بانکداری اسلامی (AAOIFI) سود ناشی از مطالبات غیرجاری (هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول و درآمد ناشی از وجه التزام) باید مشاع تعریف شوند در حالی که دستورالعمل بانک مرکزی هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول را غیرمشاع طبقه‌بندی کرده است. در گام بعد مبتنی بر داده‌های منتشر شده در صورت‌های مالی مؤسسات اعتباری ابعاد مالی شمول هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول به عنوان درآمدهای مشاع مشخص گردیده و سود قطعی تعدیل شده با سود قطعی رایج در شبکه بانکی ایران مقایسه گردیده است. نکته دیگری که از بررسی صورت‌های مالی استخراج می‌شود این است که در تمامی سال‌های مورد بررسی از ۱۳۹۷ همواره سود علی‌الحساب تعیین شده توسط بانک مرکزی، عامل تعیین‌کننده در سود پرداختی به سپرده‌گذار بوده است نه درآمدها یا هزینه‌های مشاع تحقق یافته مؤسسات اعتباری.

استناد به مقاله: خسروی، میثم. (۱۴۰۴). نحوه تقسیم سود مطالبات غیرجاری در بانکداری بدون ربا. *تحقیقات اقتصادی*، ۴۰(۴)، ۱۳۶۶ - ۱۳۸۹.



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jte.2025.400819.1009029>

۱- مقدمه

یکی از اقدامات شاخص جمهوری اسلامی، تلاش بسیار برای حذف ربا از نظام مالی کشور بود. جد و جهدهای فراوان چهره‌های برجسته حوزوی در نهایت به تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲ منتج شد. پیش‌فرض خیلی مهم این قانون یعنی امکان تداوم عملیات بانکی اما بدون انواع و اقسام ربا، به نظام مالی کشور اجازه داد از خدمات بانک به مثابه مهمترین نهاد مالی مدرن برخوردار شود اما پس از اجرای این قانون کاستی‌ها و نقایص آن بروز یافت. به عنوان مثال حذف ربای جاهلی منجر به بروز نکول‌های سیستمی و فراگیر و افزایش مطالبات غیرجاری شد (موسویان و میثمی، ۱۳۹۵)، در حالی که قانون مذکور توجهی بدان نداشت و بعدها این نقیصه به موجب مصوبات شورای پول و اعتبار و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام حل شد.

یکی از تدابیر رکنی قانون عملیات بانکی بدون ربا تغییر رابطه مالکان سپرده‌های سرمایه‌گذاری با بانک از عقد قرض به عقد وکالت بوده است. چنین تدبیری به شرحی که در مقاله توضیح داده می‌شود مستلزم عدم تعیین نرخ سود ثابت از پیش تعیین شده است اما اگر این سپرده‌ها کماکان بخواهد نقدشونده یا شبه پول باقی بمانند لازم است تفاوتی با واحدهای سرمایه‌گذاری صندوق‌های سرمایه‌گذاری در سهام داشته باشند. این چالش و چالش‌های دیگر موجب شد مفهومی تحت عنوان سود علی‌الحساب متولد شود و به مرور زمان و با تمهید مقررات لازم به سود تضمین شده بدل گردد. فارغ از ایراداتی که به این روند می‌توان وارد کرد که مقالات بسیاری در نقد آن وجود دارد، تفاوت اساسی در این الگو از بانکداری بدون ربا با بانکداری متعارف، به تفاوت محاسبه سود قطعی سپرده‌گذاران و تسویه با آنان بازمی‌گردد. «دستورالعمل نحوه محاسبه و تقسیم سود مشاع (ریالی)» (۱۳۹۴) ضوابط و جزئیات لازم برای محاسبات مذکور را بیان کرده و مبنای عمل شبکه بانکی است. این مقاله ارزیابی نحوه تعریف سود و هزینه‌های مشاع در دستورالعمل مذکور را با استناد به اصول کلی حاکم بر عملیات بانکی بدون ربا و همچنین استانداردهای بین‌المللی بانکداری اسلامی موضوع بررسی خود قرار داده است. به طور مشخص سؤال اصلی این مقاله این است که آیا هزینه ذخیره‌گیری مؤسسات اعتباری که برای پوشش زیان احتمالی تسهیلات پرداختی از محل منابع مشاع شناسایی می‌شود هزینه مشاع است یا غیر مشاع؟ همچنین درآمد ناشی از وجه التزام را باید درآمد مشاع دانست یا غیر مشاع؟ نتایج این مقاله حاکی از این

است که دستورالعمل بانک مرکزی مغایر با استانداردهای بین المللی بوده و لازم است در نحوه محاسبه سود قطعی تجدید نظر شود. با بررسی های صورت گرفته در ادبیات مرتبط با موضوع مقاله به نظر می رسد مقاله حاضر واجد نوآوری های به شرح زیر باشد: اول از همه در حدود بررسی های صورت گرفته، این مقاله اولین پژوهشی است که بدین سوالات می پردازد. نوآوری بعدی مقاله این است که با اتکاء به داده های صورت مالی بانک ها ابعاد مالی پذیرش یا عدم پذیرش هزینه مطالبات مشکوک الوصول به عنوان سود مشاع را نشان می دهد. هم چنین با مطالعه بخش داده ای خواننده در می یابد که سود علی الحساب در تمامی سال های مورد مطالعه یعنی ۱۳۹۷ تا کنون، تنها عامل تعیین کننده میزان سود پرداختی به سپرده گذاران بوده و سایر مفاد دستورالعمل سود مشاع در عمل فاقد اثر عملی بوده اند و همین مطلب روشن می سازد وضعیت مالی شبکه بانکی پیامد عملیات بانکی بدون ربا نیست. در قسمت بعد پیشینه تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد. در قسمت سوم الگوی بانکداری بدون ربا که مبنای نظری محاسبه و تقسیم سود مشاع است بیان می گردد. در قسمت چهارم الگوی تقسیم سود مشاع بانک ها تشریح شده با استانداردهای بین المللی ارزیابی گردیده و پیشنهادهایی برای اصلاح مقررات و قانون ارائه می شود و در قسمت پنجم با استفاده از داده های صورت مالی بانک ها، سود قطعی رایج و تعدیل یافته (بر اساس پیشنهاد این مقاله) محاسبه گردیده و ابعاد مالی این پیشنهاد از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ نشان داده می شود.

۲- مرور ادبیات

مقاله حاضر از چند جهت به ادبیات مربوط به بانکداری اسلامی مرتبط می شود. جهت اول تفاوت عملکرد^۱ بانکداری کشور از اهداف و متن قانون عملیات بانکی بدون رباست. برخی از محققان عدم انطباق عملکرد با متن قانون را به اشکالات ناظر به قانون نسبت می دهند و برخی دیگر انحراف صورت گرفته را لزوماً ناشی از قانون نمی دانند.

موسویان (۱۳۸۶) قانون عملیات بانکی بدون ربا را علی رغم اینکه در زمان تصویب بسیار راهگشا و نوآورانه می داند اما معتقد است به دلایل مختلف از جمله عدم تطابق با نیاز سپرده گذاران

^۱. Defacto

و تسهیلات گیرندگان و عدم قابلیت قانون برای تناسب با انواع مختلف مؤسسات اعتباری نیازمند بازنگری و اصلاح است.

ابریشمی و همکاران (۱۳۹۲) با شبیه‌سازی نحوه تصمیم‌گیری بانک در دو محیط بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف و مقایسه عملکرد یکی از بانک‌های کشور در سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۰ به این نتیجه رسیده است که عملکرد بانک‌های کشور بیشتر به بانک‌های متعارف نزدیک‌تر است.

میرجلیلی (۱۳۸۳) معتقد است که فقدان سازماندهی یا نهادسازی مناسب برای اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا موجب شده است عملکرد بانک‌ها بدون ربا نباشد. منظور از نهادسازی مناسب ۱) محدود کردن عملیات بانک‌ها به افتتاح حساب قرض الحسنه و انجام خدمات بانکی ۲) واگذاری سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار به مؤسسات متناسب [ذیل بازار سرمایه] ۳) تأسیس بانک سرمایه‌گذاری.

سبحانی (۱۴۰۱) بر اساس روش‌های گوناگون انطباق عملکرد شبکه بانکی با عملیات بانکی بدون ربا را ارزیابی کرده است و نتیجه گرفته است عملیات بانکداری بدون ربا به عرصه عمل نیامده است و در یک فرآیند تدریجی و از طریق آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی و رویه‌های عملیاتی دچار استحاله گردیده و بانکداری کشور را به ربا آلوده ساخته است. مسیر دوم اتصال به ادبیات مربوط به بانکداری اسلامی، انتقادات در خصوص نحوه پرداخت سود به سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار است.

صمصامی (۱۳۸۸) معتقد است تعیین نرخ سود علی‌الحساب یا همان نرخ تضمینی و از قبل تعیین شده برای سپرده‌های مدت‌دار و همچنین نرخ ثابت تعیین‌شده در ارائه تسهیلات مشارکتی و صوری شدن قراردادهای منعقدۀ موجب شد تا در واقع قانون به درستی اجراء نشود. توکلی (۱۳۸۱) حضور سود از پیش تعیین شده در عملکرد نظام بانکی را مخالف روح کلی حاکم بر بانکداری اسلام می‌داند و وجود مواردی چون تضمین سپرده‌ها علی‌رغم وکیل بودن بانک، تحمیل تضمین سپرده‌ها به گیرندگان تسهیلات، عدم ارائه مبنایی دقیق جهت محاسبه سود سپرده‌ها به صورت از پیش تعیین نشده، پرداخت نرخ سود نسبتاً ثابت و قطعیت یافتن نرخ سود علی‌الحساب، مایه تردید در اجرای بانکداری بدون ربا می‌داند.

حسین‌زاده بحرینی (۱۳۷۶) ضمن پذیرش تفاوت حقوقی و اقتصادی ربا با سود علی‌الحساب، بیان می‌کند از مفهوم سود علی‌الحساب در نظام بانکی ایران سوء استفاده شده است و برخلاف مقتضای علی‌الحساب بودن به سپرده‌گذاران اطمینان خاطر داده شده و به همین دلیل قطعی تلقی می‌شود.

قلیچ و موسویان (۱۳۹۸) با طرح ادله موافقان و مخالفان تضمین سود علی‌الحساب نتیجه گرفته‌اند که رویه جاری پرداخت سود علی‌الحساب با موانع شرعی مواجه است لذا پیشنهاد کرده‌اند با هدف جلب نظر تمامی مشتریان اعم از ریسک‌گریز و ریسک‌پذیر تضمین اصل و سود توسط شخص ثالثی صورت بگیرد یا مصرف سپرده‌ها تفکیک شود به مصارف دارای بازده معین یا بازده متغیر. آنگاه اصل و سود سپرده‌هایی که محل مصرف آن‌ها عقود دارای بازده معین است دیگر از پیش تعیین شده و تضمین شده است بدون اینکه نیازی به پرداخت سود علی‌الحساب باشد.

مسیر سوم اتصال به ادبیات که مسیر اصلی تلقی می‌شود ارزیابی نحوه تقسیم سود مشاع بین سپرده‌گذاران و کالتی و سهامداران بانک است. حسب جستجوهای صورت گرفته توسط محقق تنها یک مقاله با این محتوا به رشته تحریر درآمده است. روحانی و همکاران (۱۳۹۸) با تحلیل مفاد مقررات بانک مرکزی در خصوص محاسبه سود مشاع و تسهیم سود مازاد، و بررسی صورت‌های مالی سال‌های گذشته بانک‌ها و صورت‌های مالی بانکی استاندارد ابلاغی بانک مرکزی، نشان داده می‌شود که فرآیندهای حسابداری مربوط به سپرده‌ها و تسهیلات ارزی، متفاوت با بخش ریالی بوده و اقتضائات بانکداری بدون ربا را محقق نمی‌نماید و در واقع روال‌های حسابداری فعلی در خصوص منابع و مصارف ارزی بانک‌ها، کاملاً مشابه روال‌های تعریف شده در بانکداری متعارف (ربوی) باشد.

آنچه نوشته حاضر را از ادبیات فوق‌الذکر متمایز ساخته و جنبه نوآورانه به آن می‌دهد این است که تاکنون در مقالات علمی در دسترس نگارنده، دستورالعمل ابلاغی بانک مرکزی که مبنای عمل شبکه بانکی برای اجرای ماده (۵) قانون عملیات بانکی بدون ربا (از نظر نگارنده مهمترین ماده قانون ناظر به جلوگیری از اکل مال به باطل در شبکه بانکی) را مورد نقد قرار نگرفته و اجزاء سود و زیان بانک‌ها از این حیث که آیا باید مشاع باشند یا خیر محل بحث نبوده است. علاوه بر

این، ارائه پیشنهادات تقنینی برای اصلاح هر یک از رویه‌ها یا مقررات نادرستی که در مقاله به آن‌ها اشاره شده است نکته قابل توجه دیگر مقاله به نظر می‌رسد.

۳- مبانی نظری: عملیات بانکی بدون ربا

نظام مالی مدرن، یکی از مهمترین نظاماتی بود که به موازات تجربه رشد درآمد سرانه بالا در کشورهای صنعتی توسعه پیدا کرد و نقطه کانون توسعه نظام مالی، بانکداری مدرن بود. اگرچه عملیات صرافی یا سپرده‌پذیری از عموم یا حتی اعتباردهی قدمت بسیار زیادی در تاریخ دارد (گریبر، ۱۳۹۹)، اما تغییر ماهیت پول به پول حکمی^۱ و امکان خلق پول توسط بانک‌ها این نهاد را پدیده‌ای متفاوت از آنچه در تمدن‌های پیشین وجود داشت تبدیل کرد (گریبر، ۱۳۹۹). رواج قانونی دادن به یک نوع سند بدهی (IOU)، ناشر آن بدهی را به قطب تأمین مالی بدل می‌کند و قدرت خارق العاده‌ای به آن اعطا می‌کند. به عبارت روشن‌تر در عصر مدرن ماهیت بانک به ماهیت پول گره خورد و قدرت خارق العاده‌ای به بانک بخشید که می‌توانست عملیات سابق اعتباردهی با تابع هدف و قیود متفاوتی ارائه دهد و پس از آشکار شدن مخاطرات این پدیده برای ثبات اقتصاد کلان و ثبات مالی، ضرورت وجود بانک مرکزی برای کاهش زیان اجتماعی این مخاطرات آشکار گردید. نکته‌ی اصلی در تغییر ماهیت پول و بانک که ارتباط زیادی با موضوع این پژوهش دارد این است که در نظام پولی دارایی‌پایه (طلا و نقره) قیدی طبیعی (موجودی دارایی) به همراه هزینه‌ای برای انتشار پول (هزینه نهایی استخراج دارایی تا ضرب سکه) وجود داشت که عرضه بهینه پول را تحت تاثیر قرار می‌داد. علاوه بر قیود مذکور، به واسطه نزدیک بودن ارزش ذاتی و معاملاتی سکه‌ها اقدام ناشران پول‌های دارایی پایه مبنی بر عرضه بیش از حد پول (مازاد بر رشد تولید) و طبعاً ایجاد مازاد تقاضا در بازار کالاها و خدمات، ارزش معاملاتی پول را کاهش می‌داد و با توجه به اینکه ارزش ذاتی طلا در مقیاس جهانی تعیین می‌شد و نمی‌توانست تحت تاثیر اقدام یک دولت باشد، امکان تبدیل پول به شمش طلا یا نقره، قدرت ناشر در عرضه بیش از حد پول را به شدت محدود می‌کرد (مشکوه، ۱۳۴۴). زیرا می‌توانست به کمتر بودن ارزش معاملاتی از ارزش ذاتی منتهی شود و در چنین حالتی انگیزه آحاد اقتصادی مبنی بر تبدیل پول به شمش باعث

^۱. fiat

می‌شد سطح بهینه پول به سطح قبل از این اقدام بازگشته و امکان وجود تورم (به معنای افزایش مزن متوسط سطح عمومی قیمت‌ها) از بین برود. در نظام پولی حکمی و تا قبل از معرفی بانک مرکزی و سایر اجزای تنظیم‌گری، هزینه نهایی انتشار پول تقریباً صفر است، انتشار بدهی (IOU) با قید طبیعی مواجه نیست و پول ارزش ذاتی قریب به صفر دارد و طبیعی است که هیچ‌کدام از سازوکارهای خود تنظیم‌گر عرضه پول در این نظام پولی وجود ندارد و به راحتی این نظام پولی می‌تواند در معرض عرضه بیش‌تر یا کمتر از حد بهینه قرار بگیرد و ثبات اقتصاد کلان را از بین ببرد. اما از سوی دیگر این نظام پولی و امکان ایجاد قدرت خرید یک ظرفیت فوق‌العاده برای انتقال بین زمانی درآمد و هموارسازی مصرف می‌دهد. به عبارت روشن‌تر اگر اقتصاد یک ظرفیتی برای رشد تولید شناسایی کند (به عنوان مثال نوآوری ضبط و پخش صوت) دیگر لازم نیست برای تأمین منابع مالی آن سراغ استخراج طلا و ... برود می‌تواند با خلق پول بدون هزینه نهایی، این ابداع را تأمین مالی (انتقال درآمد آینده ادیسون به اکنون) نماید و پس از تجاری شدن این اختراع، پول خلق شده را محو نماید.

بنابراین بی‌ثباتی اقتصاد کلان یا بی‌ثباتی مالی دو مخاطره‌ای هستند که در نظام پول حکمی بصورت جدی حیات اقتصادی را تهدید می‌کنند و در عوض یک امکان بسیار مهم برای تأمین مالی و تجربه رشد اقتصادی فراهم می‌کنند. برای کنترل مخاطرات مذکور لازم است مشابه نظام پول طلا، عرضه پول هزینه‌بر شده و سازوکاری برای تنظیم عرضه بهینه پول (سیاست پولی) فراهم شود. علاوه بر این از آنجایی که پول حکمی به طلا یا دارایی اعتمادآفرین دیگری تبدیل‌پذیر نیست، ایجاد سازوکاری برای اطمینان بخشی به ثبات و توانمندی ایفای تعهدات ناشر پول (ثبات و سلامت بانک) نیز ضروری است. هزینه‌بر شدن عرضه پول از طریق معرفی پایه پولی و ایجاد بازار ذخایر در این نظام پولی ایجاد می‌شود. به عبارت روشن‌تر، انتشار پول مستلزم تمهید ذخایر بانک مرکزی بوده و دستیابی به این ذخایر، هزینه‌بر است^۱، هزینه دسترسی به ذخایر توسط بازار بین بانکی و عرضه و تقاضای ذخایر تعیین می‌شود. تنظیم عرضه بهینه پول نیز توسط چهارچوب سیاست‌گذاری پولی صورت می‌گیرد. لذا تعیین نرخ برای وجوه بانک مرکزی در چهارچوب نظام

^۱ جزئیات بیشتری در این رابطه قابل بیان است نظیر اینکه تقاضا برای ذخیره چند نوع است و آیا قبل از وام یا بعد از آن بانک نیاز به ذخیره دارد که در اینجا به دلیل عدم ارتباط با موضوع مقاله از بیان آنها صرف نظر می‌شود.

پولی حکمی، به عنوان جایگزین هزینه نهایی عرضه پول در نظام پول‌های فلزی عمل می‌کند و برای کنترل مخاطراتی که عملکرد این نظام پولی برای ایجاد ثبات دارد، اجتناب ناپذیر است. نرخ بهره بین بانکی به عنوان هزینه نهایی اعطای اعتبار عمل کرده و بانک مرکزی با تغییر آن با استفاده از ابزارهای سیاست پولی، سعی می‌کند حجم و نرخ پول را مدیریت کند.

این فناوری حکمرانی بالاخره به جوامع دیگر نیز وارد شد. اجرای بانکداری به شیوه‌ای که شرح آن گذشت چه در غرب و چه در جوامع شرقی سوآلاتی را در خصوص سازگاری عملیات این نهاد مالی با آموزه‌های دینی در ارتباط با حرمت ربا ایجاد کرد و اندیشمندان دینی را به تکاپو واداشت آیا هزینه‌ی تأمین پول همان ربا نیست که در متون دینی به شدیدترین الحان از آن یاد شده است؟ جوامع مسلمان نیز به دلیل حرمت شدید ربا در شریعت مقدس اسلامی از این قاعده مستثنی نبودند. از سویی فراگیری عملیات بانکی در تمامی شوئون اقتصادی جوامع از طریق نقش منحصر به فردی که این نهاد در تأمین مالی اقتصاد و نظام پرداخت‌ها ایفاء می‌کند، مانع از این بود که پاسخ اندیشمندان مسلمان در مواجهه با بانک همان پاسخی باشد که به قمارسراها داده می‌شد. یعنی کنارگذاشتن این نهاد یا دستور به تعطیلی آن‌ها به سادگی ممکن نبود و شاید با توجه به خدماتی که ارائه می‌داد پاسخ معقولی نیز به نظر نمی‌رسید. به همین دلیل سؤال کلیدی که تلاش‌های متفکران دینی و مسلمان را به خود مشغول کرد این بود که آیا می‌توان عملیات بانکی غیرربوی داشته باشیم؟ انتظار می‌رفت در مواجهه با عملیات بانکی در نظام پول حکمی، نرخ بهره بین بانکی به عنوان رکن اصلی نظام پولی مدرن و نرخ بهره پایه تمامی عملیات بانک‌ها مورد بحث مفصلی قرار گیرد و به تبع آن نرخ بهره وام و سپرده‌های بانکی نیز بحث شود. اما آنچه در مباحث شکل گرفته پیرامون بانکداری اسلامی یا بانکداری بدون ربا مشاهده می‌شود به نوعی عبور یا غفلت از این رکن بانکداری مدرن است و تمرکز محققان و اندیشمندان بر زدودن ربا از وام دهی و سپرده‌پذیری بانک‌ها معطوف بوده است (ندری و خسروی، ۱۳۹۳). لذا در عمل، عملیات بانکی بدون ربا به این معنا تفسیر شد که بانک بتواند سپرده‌پذیری و وام‌دهی را بصورت غیر ربوی ارائه دهد^۱. به طور خلاصه به نظر می‌رسد عدم توجه کافی به تفاوت‌های نظام پولی

^۱. البته در مطالعات بعدی تلاش شد تا بازار بین بانکی نیز در چهارچوب عقود اسلامی و منطبق با شریعت باشد اما در ابتدای مواجهه با بانک آنچه مسأله اصلی و دغدغه بود همین عملیات بانک‌ها با مشتریان بود.

جدید با نظام پول طلا و آثار شرعی مخاطرات نظام پولی جدید را می‌توان به عنوان اولین عامل موثر بر الگوی رایج در بانکداری بدون ربا معرفی کرد.

عامل دیگری که نقش کلیدی در طراحی این الگو داشته است و البته بی‌ارتباط با عامل قبلی نیست، تلقی اندیشمندان مسلمان از ماهیت بانک است. حسینی دولت آبادی (۱۳۹۴) نشان داده است که اندیشمندان اثرگذار در پارادایم بانکداری اسلامی نظیر شهید صدر^(۵) و شهید مطهری^(۶) و دیگران همگی بانک را واسطه مالی تصور می‌کردند. با چنین دیدگاهی نسبت به بانک روشن است که انطباق آن با شریعت اسلامی برابر خواهد بود با اصلاح قراردادهای عملیات بانکی به نحوی که به جای اتکاء به قرض با بهره بر عقود پذیرفته شده در شریعت مقدس اسلام استوار باشد.

به هر حال، تلاش‌های فراوانی برای زدودن ربا از عملیات بانک‌ها صورت گرفت. شاید شهید صدر و کتاب البنك اللاربوی فی الاسلام را بتوان از مهمترین تلاش‌های نظری برای ایجاد امکان تداوم فعالیت بانک‌ها در چهارچوب شریعت اسلامی دانست. از آنجایی که هدف از نگارش این مقاله، بحث و بررسی برخی از نکات آیین‌نامه تسهیم درآمدهای مشاع بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است، نگارنده ترجیح می‌دهد موارد مرتبط با تسهیم درآمدهای بانک را مبتنی بر الگوی پایه‌ای قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب (۱۳۶۲) را تشریح نماید.

۴- تبیین و ارزیابی الگوی تقسیم سود مشاع در شبکه بانکی ایران

ماده ۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا، منطق کلی حاکم بر تسهیم سود را مشخص کرده است. در آن ماده تقسیم سود میان بانک و سپرده‌گذاران را بر اساس قرارداد منعقد، مدت و مبلغ سپرده-گذاران قاعده‌گذاری شده است. ماده (۱۰) آیین‌نامه اجرایی فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب هیات وزیران (۱۳۶۲) نیز در همین چهارچوب و با اضافه کردن سه نکته راجع به تقسیم سود بین بانک و سپرده‌گذاران بحث کرده است:

۱- کسر سپرده قانونی از منابع سپرده‌های وکالتی

۲- کسر حق الوکاله بانک

۳- الزام درج صلح در قرارداد مشتریان.

بانک مرکزی نیز در سال ۱۳۹۴ «دستورالعمل نحوه محاسبه و تقسیم سود مشاع (ریالی)» را ابلاغ کرده و با ذکر تمامی جزئیات لازم نحوه تقسیم درآمدهای مشاع ریالی را مشخص کرده است.^۱ برای فهم الگوی تقسیم سود مشاع ابتدا فرمول کلی آن را مرور می‌کنیم تا نقاط کلیدی مشخص شود و بعد به هر یک از نقاط کلیدی خواهیم پرداخت.

$$\text{حق الوکاله} - \text{جایزه سپرده قانونی} + \text{سود مشاع} \times \frac{\text{خالص منابع سپرده گذاران}}{\text{خالص مصارف مشاع}} = \text{سود قطعی}$$

حق الوکاله و جایزه سپرده قانونی موارد مشخصی هستند و نیاز به توضیح ندارند. خالص منابع سپرده گذاران نیز میانگین پایان هفته مانده حساب منهای میانگین پایان هفته سپرده قانونی است. بنابراین نحوه تعریف خالص مصارف مشاع و سود مشاع نقش کلیدی در درک الگوی حاکم بر تقسیم درآمدهای مشاع بانک دارند.

در حقیقت دستورالعمل بانک مرکزی در دو گام نحوه تقسیم سود مشاع را تعیین کرده است: گام اول اینکه دامنه مصارف مشاع را تعیین نموده است. در این گام دارایی‌هایی که سپرده-گذاران می‌توانند مدعی عواید آن‌ها باشند مشخص گردیده است. دامنه مصارف مشاع همان دامنه‌ای است که بانک‌ها مجازند سپرده‌های وکالتی را به کار بگیرند^۲ که توسط تبصره ماده (۳) قانون عملیات بانکی و ماده (۹۸) قانون برنامه پنجم توسعه مشخص شده است. در گام دوم برخی از هزینه‌ها یا درآمدهایی که به طور مستقیم، نمی‌توان آن‌ها را عایدی یا زیان ناشی از مصارف مشاع تلقی کرد را توزیع کرده است. به عنوان مثال هزینه‌های مالی یا درآمدهای کارمزدی را به سهامدار بانک سرایت داده و از سپرده‌گذار سلب کرده است.

طبعاً پذیرش یا عدم پذیرش الگوی معرفی شده از عملیات بانکی بدون ربا نقش بسیار مهمی در ارزیابی مدل تقسیم درآمدهای مشاع بانک‌ها ایفاء می‌کند. به عنوان مثال می‌توان با مناقشه در عواملی که در بخش میانی نظری، به عنوان مفروضات قانون عملیات بانکی بدون ربا معرفی شد (واسطه‌گری مالی بانک‌ها یا تفاوت‌های پول حکمی با پول طلا) از اساس تفکیک

^۱ . به منظور رعایت اختصار از ذکر تحولات مقررات بانک مرکزی و تاریخچه آن خلاصه می‌شود و خواننده علاقه‌مند می‌تواند به (روحانی و همکاران، ۱۳۹۸) مراجعه نماید.

^۲ . نتیجه چنین حصری در قانون این شده است که بانک مصارف دیگری که در قالب عقود مذکور قرار نمی‌گیرد را صرفاً در سرفصل تسهیلات یا مصارف مشاع ثبت نمی‌کند و این حصر منجر به جلوگیری از انجام مصارف دیگر نشده است.

درآمدها به مشاع و غیرمشاع را زیر سؤال برد (روحانی و بنی طبه، ۱۴۰۰). اما در این مقاله با مفروض گرفتن الگوی قانون عملیات بانکی بدون ربا نسبت به ارزیابی مفاد گام دوم دستورالعمل تقسیم سود مشاع ریالی مؤسسات اعتباری (توزیع هزینه‌ها یا درآمدهای غیرمستقیم) اظهارنظر می‌شود.

سود و زیان مربوط به یک مال، به مالک آن تعلق دارد. جمله قبل پایه‌گذار تلاش‌هایی بوده است که در قانون عملیات بانکی بدون ربا با تفکیک منابع سپرده‌ای به وکالتی و قرضی سعی کرده است عواید هر یک را به مالک آن‌ها برساند. بر همین اساس بوده است که بانک مالک تمامی عواید ناشی از به‌کارگیری سپرده‌های قرض الحسنه است اما در خصوص سپرده‌های وکالتی بانک صرفاً حق‌الوکاله دریافت می‌کند و سود و زیان تأمین مالی به صورت کامل متعلق به سپرده‌گذاران می‌باشد. به نظر می‌رسد با تکیه بر همین اصل نسبت به تحمیل برخی از سود و زیان‌ها به سپرده‌گذاران یا سهامداران ابهامات جدی وجود داشته باشد. در این چهارچوب انتساب کل هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول بانک به سهامدار و همچنین احتساب درآمد حاصل از وجه التزام در قالب درآمدهای مشاع، محل تأمل جدی است.

ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به منظور جذب زیان انتظاری ناشی از نکول تسهیلات اخذ می‌شود. علاوه بر این نگهداری این نوع از ذخیره، زیان ناشی از نکول را در طول زمان هموارسازی می‌کند. به طور مشخص اگر در سال دوم بازپرداخت تسهیلات، نکول محقق شده اما ذخیره‌گیری صورت گرفته باشد زیان ناشی از این نکول توسط سپرده‌گذاران سال گذشته نیز تحمل شده و نیازی نیست تمامی زیان به سپرده‌گذاران سال دوم سرایت داده شود. بنابراین با منطق هموارسازی سود و زیان نیز در حدودی که احتمال نکول وجود دارد، منطقی است برای پوشش آن و معادل زیان انتظاری ذخیره‌گیری شود. مطابق دستورالعمل بانک مرکزی هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول، غیرمشاع است و تماماً بر عهده سهامدار بانک است. در حالیکه مبتنی بر اصول مالکیت، سود و زیان متوجه مالک است نه وکیل. انتساب کامل هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول به سهامدار بانک موجب گردیده است تا علی‌رغم اینکه سپرده‌گذار مالک است اما از تحمل زیان عملیاتی ناشی از پرداخت تسهیلات مصون باشد در حالی که سپرده‌گذار مالک سود و زیان است و وکیل به جزء حق‌الوکاله مالک سود و زیانی نیست.

این مسأله در استاندارد شرعی شماره (۴۰) مؤسسه حسابداری و حسابرسی اسلامی (AAOIFI)^۱ به عنوان یکی از مراجع صدور راهنماها و استانداردهای بانکداری اسلامی نیز به تفصیل و دقت مورد بحث قرار گرفته است و استاندارد مذکور نکات مهمی در خصوص کیفیت توزیع سود مشاع دارد. از آنجایی که از قرارداد مضاربه برای تنظیم رابطه سپرده‌گذاران بهره‌پذیر و بانک استفاده کرده است، نکات مربوط به توزیع سود مشاع در استاندارد شرعی (۴۰) تحت عنوان توزیع سود در حساب‌های سرمایه‌گذاری بر پایه مضاربه توضیح داده شده است. در بخش سوم استاندارد مذکور به شناسایی سود قابل توزیع پرداخته و توزیع سود را منوط به طی کردن سه گام نموده است:

گام اول: تبدیل موضوع مضاربه به پول نقد

در قسمت ۳/۱/۲ استاندارد توضیح می‌دهد که منظور این است که یا موضوع مضاربه واقعا به فروش رفته و تبدیل به پول نقد شود یا دارایی‌های غیرنقد شونده توسط کارشناس ارزشگذاری شوند. به هر حال این گام در حال تأکید بر این موضوع است که نمی‌توان سود موهومی توزیع کرد. البته نکته‌ی دیگری که از این قسمت می‌توان برداشت کرد این است ارزشگذاری بر اساس جریان نقد صورت خواهد گرفت.

گام دوم: کسر هزینه‌های مستقیم

پس از پوشش هزینه‌های زیر موکول کرده است:

الف) هزینه‌های مستقیم ایجاد شده حاصل به‌کارگیری مانده حساب‌های سرمایه‌گذاری.

ب) سهم مانده حساب سرمایه‌گذاری از هزینه‌های مشاع

همچنین استاندارد تأکید می‌کند که نباید ناشی از انجام وظایف بانک به حساب سپرده‌های

سرمایه‌گذاری نهاده شود.

^۱ . سازمان AAOIFI که در سال ۱۹۹۱ تأسیس و در بحرین مستقر است، سازمانی غیرانتفاعی، بین‌المللی و پیشرو است که عمدتاً مسئول توسعه و صدور استانداردها برای صنعت جهانی مالی اسلامی است. این سازمان در مجموع ۱۰۰ استاندارد در زمینه‌های شریعت، حسابداری، حسابرسی، اخلاق و حاکمیت شرکتی برای مالی اسلامی بین‌المللی منتشر کرده است. این سازمان توسط تعدادی از اعضای نهادی، از جمله بانک‌های مرکزی و مراجع نظارتی، مؤسسات مالی، شرکت‌های حسابداری و حسابرسی و شرکت‌های حقوقی، از بیش از ۴۵ کشور پشتیبانی می‌شود. استانداردهای آن در حال حاضر توسط همه مؤسسات مالی اسلامی پیشرو در سراسر جهان رعایت می‌شود و درجه‌ای از هماهنگی فزاینده در شیوه‌های بین‌المللی مالی اسلامی را معرفی کرده است.

گام سوم: کسر ذخایر و اندوخته‌ها

در قسمت ۳/۱/۲/۳ استاندارد ناظر به هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول و هزینه ذخیره سود تعیین تکلیف می‌کند. در این مذکور صراحتاً تأکید می‌شود که هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول باید تماماً توسط سپرده‌گذار یا مالک پرداخت شود و بانک هیچ بخشی از هزینه را متحمل نخواهد شد. عین عبارت استاندارد به شرح زیر است:

«کسر اندوخته‌ها و ذخایر مربوط به سرمایه‌گذاری، از درآمد سرمایه‌گذاری به طوری که سود قابل تخصیص حاصل شود. در این حالت، ذخایر مطالبات مشکوک‌الوصول و ذخیره نرخ بازده (PER) باید از سود ناخالص کسر شود به نحوی که ذخیره ریسک‌های سرمایه‌گذاری باید پس از کسر سهم بانک کسر شود.^۱»

مفهوم این قسمت از استاندارد این است که پس از شناسایی سود و برخلاف هزینه‌های مستقیم و ذخیره نرخ بازده که پایه سود قابل توزیع میان بانک و مالکان سپرده‌های سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد، ذخایر ریسک سرمایه‌گذاری‌ها اعم از هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول یا هزینه‌های دیگری که بانک برای پوشش ریسک سرمایه‌گذاری‌ها انجام می‌دهد فقط از سهم سپرده‌گذار کسر می‌گردد.

به طور مشخص پیشنهاد می‌شود به جای توزیع سود مشاع، خالص سود مشاع یعنی سود مشاع پس از کسر هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول متناسباً میان سهامدار و سپرده‌گذار توزیع شود. ممکن در واکنش به پیشنهاد فوق ایرادی مطرح شود و آن‌هم اینکه نکول تسهیلات ناشی از قصور یا تقصیر وکیل است و چرا باید هزینه آن را از سپرده‌گذار (موکل) دریافت کرد؟ در پاسخ به این ایراد توجه به چند نکته ضروری است:

اولاً همواره نکول ناشی از قصور یا تقصیر وکیل نیست یا حتی تسهیلات گیرنده نیست و می‌تواند به دلایلی مانند رکود اقتصادی، بحران‌های طبیعی و امثالهم اتفاق بیفتد و گذشته از این ذخیره عمومی مطالبات مشکوک‌الوصول قبل از تحقق نکول و برای تمامی تسهیلات گیرندگان حتی آن‌هایی که نکول نکرده و نمی‌کنند و ماهیت احتیاطی دارد.

^۱. 3/2/1/3 Deduction of the allocations and reserves relating to the investment, from investment income to arrive at distributable profit. In this case, allocations for bad debts and reserve for rate of returns have to be deducted from gross profit, whereas reserve for investment risks has to be deducted after deduction of the Mudarib's share.

ثانیاً اگر نکته نهفته در ایراد فوق را بپذیریم، حتی زمانی که نکول محقق هم شد و با انتقال تسهیلات به سرفصل معوق فرآیند شناسایی درآمد از آن تسهیلات متوقف شد بازهم بانک باید موظف به پرداخت سود به سپرده‌گذار باشد چراکه مقصر نکول بانک است و نه سپرده‌گذار و چنین چیزی به هیچ عنوان مطابق با قانون عملیات بانکی بدون ربا نیست. وقتی گفته می‌شود سپرده‌گذاران و کالتی در سود و زیان شریکند، زیان عملیات بانکی از طریق نکول اتفاق می‌افتد و اگر نکول را برای تحمیل زیان به سپرده‌گذار به رسمیت نشناسیم این مستلزم پرداخت سود قطعی و از پیش تعیین شده به سپرده‌گذار است که تمامی طراحی‌های قانون عملیات بانکی بدون ربا و سایر مقررات مربوطه را زیر سؤال می‌برد.

احتساب درآمد ناشی از وجه التزام به عنوان درآمد مشاع دیگر نکته‌ای است که انطباق کامل آن با اصول حاکم بر عملیات بانکی محل خدشه است. وجه التزام شرط ضمن عقدی است که در صورت تخلف از تعهدات (عدم بازپرداخت به موقع اقساط)، تسهیلات گیرنده را ملزم به پرداخت وجه تفاهم شده می‌نماید (موسویان و میثمی، ۱۳۹۵). منطق اقتصادی آن نیز رجحان زمانی پول و ایجاد انگیزه برای ایفای به موقع تعهدات است، به عبارت روشن‌تر وقتی تسهیلات گیرنده از پرداخت اقساط خودداری می‌کند، بانک جریان نقدی حاصل از بازپرداخت تسهیلات را از دست می‌دهد و به میزان هزینه فرصت هر واحد ذخیره، برای بانک هزینه ایجاد می‌کند. اما سازوکار پرداخت سود ماهانه و علی‌الحساب باعث شده است تا سپرده‌گذار همواره به موقع و فارغ از اینکه نکول اتفاق افتاده یا خیر؟ به سود سپرده‌اش دسترسی داشته باشد و مسأله اختلال در جریان نقد، به سپرده‌گذار سرایت نکند و تمام هزینه فرصت مزبور توسط سهامدار بانک تحمل شود. برای درک بهتر مسأله، شناسایی درآمد از محل وجه التزام به این معناست که نکول به شکل مقطعی اتفاق افتاده و در نهایت تسهیلات گیرنده نسبت به پرداخت تسهیلات اقدام کرده است. در چنین شرایطی مکانیزم پرداخت سود علی‌الحساب یعنی اینکه بانک جریان نقدی ناشی از پرداخت این تسهیلات را هموار ساخته است به جای اینکه دو ماه صفر واحد سود و یک ماه ۱۲ واحد بپردازد، به طور متوسط هر ماه ۴ واحد سود پرداخته است و در پایان دوره نیز چون اصل و فرع بازپرداخت شده است سود قطعی و علی‌الحساب تفاوتی نخواهند داشت. در چنین شرایطی که پر واضح است که بانک از طریق سود علی‌الحساب، علاوه بر تضمین سود که شرح آن در بخش

مبانی نظری گذشت، جریان نقدی سپرده‌گذار را نیز تضمین کرده و زیان ناشی از دست دادن جریان نقدی بابت نکول را خود پذیرفته است. با این وجود مشخص نیست احتساب درآمد ناشی از وجه التزام به عنوان درآمدهای مشاع و توزیع آن میان بانک و سپرده‌گذار چه منطقی دارد. در حالیکه از ابتدا زبانی به سپرده‌گذار تحمیل نشده تا عواید این نکول به عنوان منابع مشاع در نظر گرفته شود.

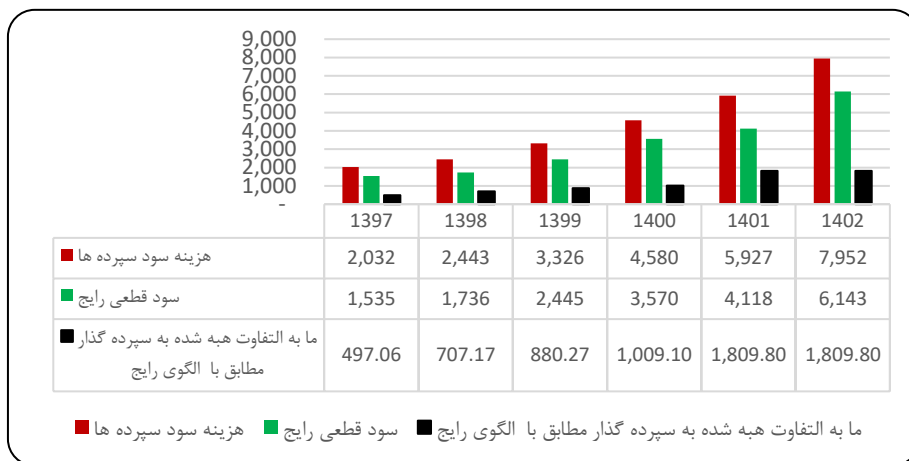
در خصوص احتساب یا عدم احتساب وجه التزام به عنوان درآمدهای مشاع در استانداردهای بین‌المللی بانکداری اسلامی، استاندارد شرعی شماره (۳) ضمن اینکه نکول دریافت هرگونه جریمه مالی (نقدی یا غیرنقدی یا با هدف جبران کاهش ارزش پول) از بدهکار نکول کننده را چه مستقیماً و چه از طریق مقام قضائی ممنوع کرده و بدهکار نکول کننده صرفاً مسئول هزینه‌های اداری و اجرایی بازیابی طلب است. اما در قسمت ۲۰۱۸ استاندارد (۳) تصریح می‌کند «شرط تعهد به «اهدای مبلغ یا درصدی از بدهی به امور خیریه در صورت تأخیر مجاز است، به شرط اینکه مبلغ به طلبکار نرسد بلکه صرف امور خیریه شود و توسط هیأت شرعی مؤسسه کاملاً مورد نظارت باشد». بنابراین مشاع بودن یا غیرمشاع بودن درآمد حاصل از وجه التزام سالبه به انتفاء موضوع به نظر می‌رسد چراکه شناسایی درآمد از محل جریمه تأخیر تادیه دین در قالب وجه التزام مختص به بانکداری بدون ربا در ایران بوده و در سایر کشورها یا اساساً جریمه مالی از تسهیلات گیرنده دریافت نمی‌شود یا اینکه در قالب شرط ضمن عقد، متخلف به پرداخت جریمه به مؤسسات خیریه ملزم می‌گردد (موسویان و میثمی، ۱۳۹۵). به عبارت دیگر جریمه مذکور اساساً درآمد مؤسسات خیریه خواهد بود نه درآمد بانک که حالا مشاع یا غیرمشاع باشد.

در جمع‌بندی این بخش لازم است بیان شود، بررسی الگوی تقسیم سود و زیان ناشی از نکول در مقررات مربوط به تقسیم درآمدهای مشاع، حاکی از نوعی ناسازگاری است. نکول به واسطه اخلال در جریان نقدی بانک و همچنین توقف شناسایی درآمد واجد هزینه است و از سوی دیگر از محل وصول وجه التزام قراردادی درآمدی و جریان نقدی را ایجاد می‌کند. در الگوی تقسیم سود مشاع هزینه‌های نکول، هزینه‌های غیرمشاع طبقه‌بندی شده است و درآمدهای نکول به عنوان درآمد مشاع. این درحالیست که اگر به واسطه برقراری سود علی‌الحساب و صلح ما به التفاوت سود قطعی و علی‌الحساب به سپرده‌گذار برای بانک علاوه بر نقش وکیل نقش ضامن را

نیز تعریف کرده‌ایم (آنچه در عمل و در اجرای عملیات بانکی بدون ربا به شرحی که در بخش سوم گذشت) سود و زیان نکول باید متعلق به ضامن یعنی بانک باشد و به طور مشخص درآمد ناشی از وجه التزام درآمد غیرمشاع بانک تلقی شود. اما محاسبه سود قطعی بدون در نظر گرفتن نقش ضامن برای بانک (الگوی قانون عملیات بانکی بدون ربا) مستلزم این است که هزینه نکول یعنی هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول و درآمد حاصل از وجه التزام قراردادی به عنوان درآمد مشاع شناسایی شده و متعلق به سپرده‌گذار باشد. مبتنی بر مباحث مطرح شده در بخش دوم این مقاله، نیز به نظر می‌رسد از آنجایی که مطابق با الگوی مدنظر قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک فاقد نقش ضامن برای اصل و سود سپرده‌های وکالتی است، باید هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول به عنوان درآمدهای مشاع محاسبه گردد.

۵- تقسیم درآمدهای مشاع در داده‌های شبکه بانکی ایران

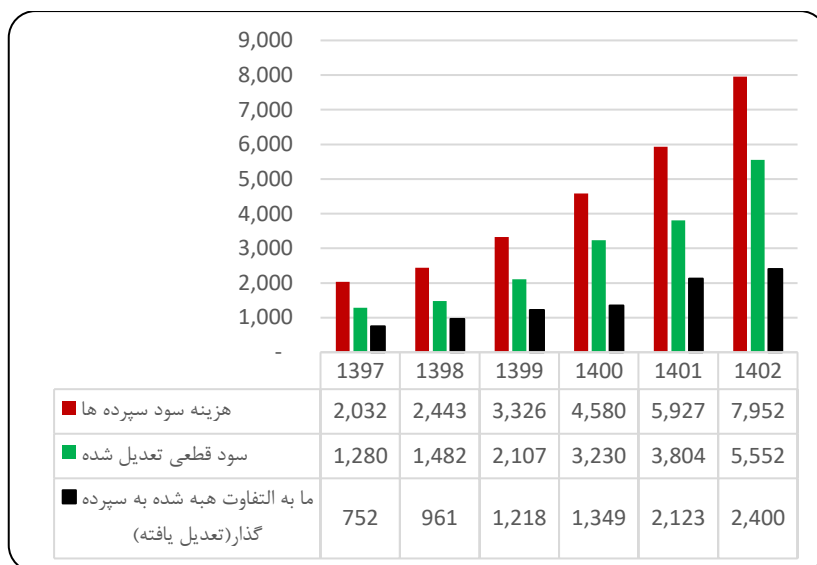
در بخش سوم و چهارم این مقاله الگوی حاکم بر نحوه پرداخت سود به سپرده‌گذاران در بانکداری بدون ربا در ایران به طور کامل واضح شد. مشخص شد معرفی سود علی‌الحساب و هبه سود مازاد پرداختی به سپرده‌گذاران در عمل کران پایین سود متعلق به سپرده‌گذاران را مشخص می‌کند و اگر سود قطعی بیشتر از میزان سود علی‌الحساب بود، مؤسسه اعتباری موظف است سود مازاد را به سپرده‌گذاران پرداخت نماید. علاوه بر این، در این مقاله پیشنهادهایی برای اصلاح دستورالعمل نحوه تقسیم سود مشاع ارائه شد که متضمن کاهش سود مشاع متعلق به سپرده‌گذاران بودند. در این بخش عملکرد پرداخت سود شبکه بانکی متکی به داده‌های صورت‌های مالی بانک‌ها در بازه زمانی ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ مورد بررسی قرار می‌گیرد و سعی می‌شود اثر مالی پیشنهاد ارائه شده بر توزیع سود سپرده‌گذاران مشخص گردد.



شکل ۱. مقایسه سود علی الحساب و قطعی در شبکه بانکی - ارقام به هزار میلیارد ریال
منبع: صورت‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی.

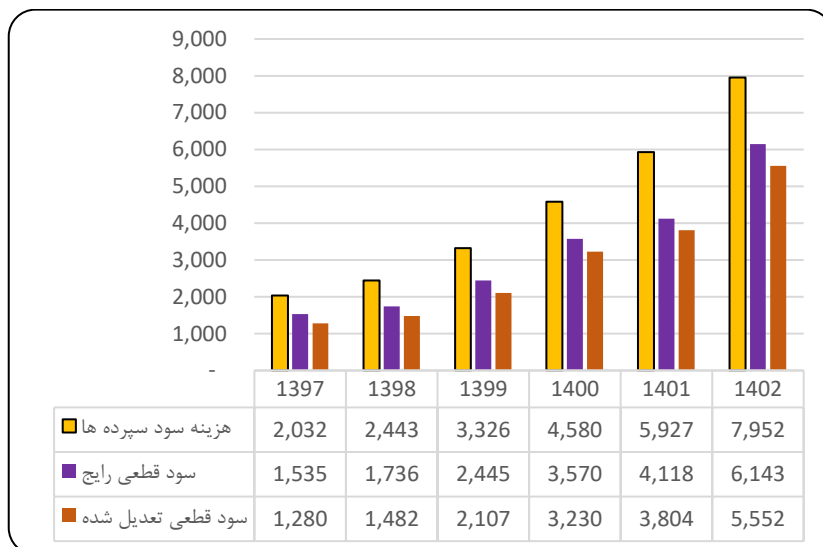
شکل ۱ نشان می‌دهد از سال ۱۳۹۷ تاکنون سود علی الحساب پرداختی در شبکه بانکی همواره بیشتر از سود قطعی بوده است تا جایی که در سالهای ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ شبکه بانکی معادل ۱۸۰ هزار میلیارد تومان ما به التفاوت سود علی الحساب و قطعی را به سپرده‌گذاران هبه کرده است. به عبارت روشن‌تر حکم موضوع ماده (۹) «دستورالعمل نحوه محاسبه و تقسیم سود مشاع (ریالی)» برای مجموعه شبکه بانکی در سال ۱۴۰۲ معادل ۱۸۰ هزار میلیارد تومان هزینه داشته و منافع سهامداران بانک را به سپرده‌گذار منتقل کرده است.

همان‌طور که شکل ۲ نشان می‌دهد در صورتیکه مطابق پیشنهاد مقاله هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول از درآمدهای مشاع کسر شده و سپرده‌گذاران را مالک هزینه م.م بانک‌ها بدانیم سود قطعی تعدیل یافته کاهش پیدا کرده و هبه پرداختی به سپرده‌گذاران در سال ۱۴۰۲ به میزان ۲۴۰ هزار میلیارد تومان خواهد رسید.



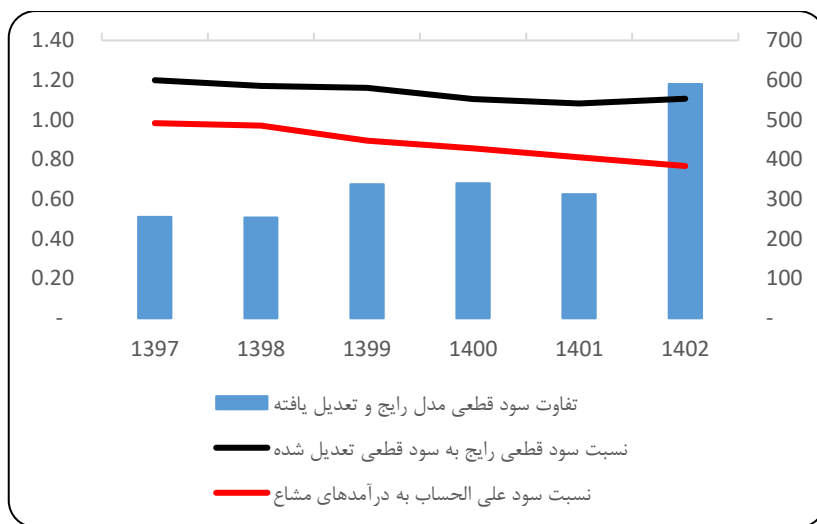
شکل ۲. مقایسه سود علی الحساب و قطعی تعدیل یافته در شبکه بانکی - ارقام به هزار میلیارد ریال
منبع: صورت‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی و یافته‌های پژوهش.

شکل ۳ نشان می‌دهد سود پرداختی بانک به سپرده‌گذاران که معادل سود علی الحساب پرداختی به سپرده‌گذاران بوده است در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ همواره بیشتر از سود قطعی رایج و سود قطعی تعدیل یافته بوده است و به عبارت روشنتر از تمامی مفاد مهم «دستورالعمل نحوه محاسبه و تقسیم سود مشاع (ریالی)» تنها ماده (۹) آن دستورالعمل (الزام به هبه ما به التفاوت سود) در سود متعلق به سپرده‌گذاران تعیین کننده بوده است و حتی اگر پیشنهادات مدنظر این مقاله مبنی بر اصلاح سود قطعی نیز در دستورالعمل مذکور لحاظ می‌گردید بازهم در عمل تفاوتی در سود پرداختی به سپرده‌گذاران حاصل نمی‌شد چرا که تنها عامل تعیین کننده در سود متعلق به سپرده‌گذاران نرخ سود دستوری علی الحساب تعیین شده توسط بانک مرکزی است.



شکل ۳. مقایسه سود علی الحساب و قطعی تعدیل یافته در شبکه بانکی - ارقام به هزار میلیارد ریال
منبع: صورت‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی و یافته‌های پژوهش.

نسبت سود علی الحساب به درآمدهای مشاع در شکل ۴ از زاویه دیگری بر تعیین کننده بودن سود علی الحساب در درآمد متعلق به سپرده‌گذاران در داده‌های شبکه بانکی حکایت می‌کند. در سال ۱۳۹۷ معادل ۹۸ درصد درآمدهای مشاع سود سپرده پرداخت شده است. این درصد بالا یعنی تقریباً تمامی درآمدهای مشاع خود را به سپرده‌گذاران تقدیم کرده و از منافع منابع مالکیتی و حق الوکاله مجبور به صرف نظر شده است.



شکل ۴. وضعیت سود پرداختی به سپرده‌گذاران - رقم تفاوت سود قطعی به هزار میلیارد ریال (محور راست).

منبع: یافته‌های پژوهش.

۶- نتیجه‌گیری

مطابق با قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک وکیل سپرده‌گذاران سودپذیر است و مالک سپرده‌های قرض‌الحسنه است. لذا درآمدهای حاصل از به‌کارگیری این منابع نیز، مشاع است و باید متناسب به مدت و مبلغ سپرده‌گذاری تقسیم شود. در این مقاله ضمن مرور الگوی بانکداری بدون ربا در قوانین و مقررات ایران، بر «دستورالعمل نحوه محاسبه و تقسیم سود مشاع (ریالی)» مصوب شورای پول و اعتبار تمرکز شد و دو مقوله «تعریف هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول به عنوان هزینه غیرمشاع» و «احتساب درآمد ناشی از وجه التزام به عنوان سود مشاع»، از حیث انطباق با اصول کلی حاکم بر عملیات بانکی بدون ربا و استانداردهای شرعی مؤسسه حسابداری و حسابرسی اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. پیشنهاد این مقاله مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی بانکداری بدون ربا و اصل النماء تابعه للأصل در بانکداری اسلامی این بود که هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول به عنوان هزینه مشاع در نظر گرفته شود و سود قطعی متعلق به سپرده‌گذاران پس از کسر این هزینه از درآمدهای مشاع محاسبه گردد. به طور مشخص فرمول محاسبه سود قطعی تعدیل یافته به شرح زیر خواهد شد:

$$\text{حق الوکاله} - \text{جایزه سپرده قانونی} + (\text{هزینه مطالبات مشکوک الوصول} - \text{سود مشاع}) \times \frac{\text{خالص منابع سپرده گذاران}}{\text{خالص مصارف مشاع}} = \text{سود قطعی تعدیل یافته}$$

در بخش پایانی مقاله با رجوع به داده‌های منتشر شده شبکه بانکی نشان داده پیشنهاد این مقاله مستلزم کاهش سود قطعی معادل ۶۰ هزار میلیارد تومان است. اما از آنجایی که در بازه مورد بررسی یعنی از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ همواره سود علی‌الحساب پرداخت شده بیشتر از سود قطعی بوده است، هیچ‌گاه محاسبه سود قطعی در میزان سود دریافتی سپرده‌گذاران تعیین کننده نبوده است و تعدیل کردن سود قطعی به شیوه‌ای که این مقاله توصیه کرده است نیز فاقد اثر عملی بر سود پرداختی توسط شبکه بانکی بوده است. بنابراین سود علی‌الحساب و ماده ۹ دستورالعمل «دستورالعمل نحوه محاسبه و تقسیم سود مشاع (ریالی)» که انطباق کامل آن با قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز محل تردید و خدشه است (سبحانی، ۱۴۰۱) همواره توزیع درآمدهای مشاع را تعیین کرده و در تمامی این سال‌ها منابع سهامداران بانک‌ها را به سپرده‌گذاران هبه کرده است. با این توضیحات اگر از چالش سود علی‌الحساب و از کار انداختن تمامی طراحی‌های مربوط به پرداخت سود قطعی از پیش تعیین شده در بانکداری بدون ربا بگذریم به نظر می‌رسد «دستورالعمل نحوه محاسبه و تقسیم سود مشاع (ریالی)» نیاز به اصلاح داشته و در خصوص نحوه توزیع سود و زیان ناشی از نکول تسهیلات فاقد سازگاری است

منابع

آیین نامه فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب ۶۲.۶.۸ تحت عنوان آیین‌نامه تجهیز منابع پولی. (۱۳۶۲).

ابریشمی، حمید، سبحانی، حسن، و کیائی، حسن. (۱۳۹۲). ارزیابی میزان کامیابی اجرای بانکداری اسلامی در ایران. *اقتصاد اسلامی*، ۵۱(۱۳)، ۹۱-۱۲۰. قابل دسترسی از https://eghtesad.iict.ac.ir/article_16874.html

توکلی، محمدجواد. (۱۳۸۱). بررسی توزیع سود سپرده‌ها در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران. معرفت، ۵۳(۱)، ۶۶-۸۲. قابل دسترسی از <http://noo.rs/fcjMS>

حسین‌زاده‌بحرینی، محمدحسین. (۱۳۷۶). بررسی فقهی و اقتصادی سود تضمین شده. پژوهش‌های اجتماعی/اسلامی، ۸(۲)، ۱۴۹-۱۶۶. قابل دسترسی از <http://noo.rs/Xn3X3>

----- (۱۳۷۴). بررسی فقهی و اقتصادی سود تضمین شده (علی الحساب) در سیستم بانکداری بدون ربا (پایان نامه کارشناسی ارشد). علامه طباطبائی، تهران.

حسینی دولت آبادی، سیدمهدی. (۱۳۹۴). ماهیت بانک و دلالت های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۸(۲)، ۱۷۳-۱۹۸. قابل دسترسی از https://ies.isu.ac.ir/article_1802.html

روحانی، سیدعلی، و بنی طباطبائی، سید مهدی. (۱۴۰۰). ارزیابی سازگاری قوانین و مقررات بانکداری بدون ربا با ماهیت بانک و امکان سنجی ایجاد سازگاری. *اقتصاد اسلامی*، ۲۲(۸۶)، ۸۷-۱۲۲. قابل دسترسی از https://eghtesad.iict.ac.ir/article_254888.html

روحانی، سیدعلی، بنی طباطبائی، سیدمهدی، و موفق یامی، مصطفی. (۱۳۹۸). تحلیل انطباق عملیات و صورت های مالی بانک ها در بخش ارزی بر ضوابط بانکداری بدون ربا. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۲(۱)، ۲۸۱-۳۱۰. قابل دسترسی از https://ies.isu.ac.ir/article_2522.html

دستورالعمل نحوه محاسبه و تقسیم درآمدهای مشاع ربائی. (۱۳۹۴). شورای پول و اعتبار.

سبحانی، حسن. (۱۴۰۱). *بانکداری بدون بهره و فرآیند استحاله آن* (ج ۱-۱). تهران: دانشگاه تهران.

صمصامی، حسین. (۱۳۸۸). ربا و مشکلات اقتصاد ایران. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱(۱)، ۱۱۳-۱۴۰. قابل دسترسی از <http://noo.rs/yW0jt>

قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره). (۱۳۶۲).

قلیچ، وهاب، و موسویان، سیدعباس. (۱۳۹۸). بررسی فقهی تضمین سود علی الحساب سپرده های سرمایه گذاری در بانکداری بدون ربا. *پژوهش های پولی و بانکی*، ۱۲(۴۲)، ۶۲۹-۶۵۲. قابل دسترسی از <https://jmbr.mbri.ac.ir/article-1-1364-fa.html?tknfv=;943ae7b3-6d0b-485f-9a40-948a3fbb3133133>

گرییر، دیوید. (۱۳۹۹). *تاریخ پنج هزار ساله بدهی* (ترجمه م. آقایی) (ج ۱). تهران: دهکده هوسم.

مشکوه، محمد. (۱۳۴۴). پول. تهران: دانشگاه تهران.

موسویان، سیدعباس. (۱۳۸۶). نقد و بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا و پیشنهاد قانون جایگزین. *اقتصاد اسلامی*، ۲۵(۷)، ۳۶-۹. قابل دسترسی از https://eghtesad.iict.ac.ir/article_16662.html

موسویان، سیدعباس و میثمی، حسین. (۱۳۹۵). *بانکداری اسلامی* (ویرایش پنجم، ج ۱). تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

میرجلیلی، سیدحسین. (۱۳۸۳). الگویی برای سازماندهی مجدد نظام بانکی در ایران. *نامه مفید*، ۴۲(۱۰)، ۹۲-۶۵. قابل دسترسی از https://economic.mofidu.ac.ir/article_47906.html

ندری، کامران، و خسروی، میثم. (۱۳۹۳). بررسی مبادلات وجوه بانک مرکزی در بازار بین بانکی. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۸، ۱۴۶-۱۳۳. قابل دسترسی از <https://mieaoi.ir/article-1-145-fa.html>

References

AAOIFI. (2025). Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions. Retrieved from <https://aaoifi.com>.